



تأثیر کیفیت حسابرسی و مدیریت سود تعهدی و واقعی بر تجدید ارائه صورتهای مالی

علی لطیفی^۱

کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهریار

دکتر آریتا جهانشاد^۲

دانشیار، گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۲۰ فروردین ۱۳۹۷؛ تاریخ پذیرش: ۴ شهریور ۱۳۹۷)

افزایش چشمگیر تجدید ارائه حسابداری، توجهات آکادمیک، قانونی و عمومی زیادی را با در نظر گرفتن تمامی عواقب آن، به خود جلب کرده است. در همین راستا، هدف این تحقیق بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی و مدیریت سود تعهدی و واقعی بر تجدید ارائه صورتهای مالی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشد در راستای هدف تحقیق نمونه ای متشکل از ۱۲۰ شرکت از شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در طی دوره زمانی ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۵ انتخاب گردید. به منظور آزمون فرضیه های پژوهش، از رگرسیون لجستیک بهره گرفته شد. یافته های تحقیق نشان می دهد که کیفیت حسابرسی بر تجدید ارائه صورتهای مالی تأثیر منفی دارد در حالی که، مدیریت سود تعهدی و واقعی بر تجدید ارائه صورتهای مالی تأثیر مثبت دارند. به عبارت دیگر می توان گفت در صورت بالا بودن کیفیت حسابرسی، احتمال تجدید ارائه صورتهای مالی کاهش و در صورت افزایش مدیریت سود تعهدی و واقعی، احتمال تجدید ارائه صورتهای مالی نیز افزایش می یابد.

واژه های کلیدی: کیفیت حسابرسی، مدیریت سود واقعی، مدیریت سود تعهدی، تجدید ارائه صورتهای مالی.

¹ ali.latifi1367@gmail.com

² az_jahanshad@yahoo.com

مقدمه

یکی از اهداف گزارشگری مالی، ارائه‌ی اطلاعاتی است که برای سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و دیگر کاربران فعلی و بالقوه در تصمیم‌گیری‌های مربوط به سرمایه‌گذاری و اعتباردهی و سایر تصمیم‌ها، سودمند باشد.^۱ یکی از معیارهای مهمی که گروه‌های مزبور برای برآورد قدرت سودآوری شرکت، پیش‌بینی سودهای آینده و ریسک‌های مربوط به آن و همچنین ارزیابی عملکرد مدیریت استفاده می‌کنند، سودهای جاری و گذشته شرکت است. سود نیز خود متشکل از اقلام نقدی و تعهدی است و اقلام تعهدی سود تا حدود زیادی در کنترل مدیریت هستند و وی می‌تواند برای بهتر جلوه‌دادن عملکرد شرکت و افزایش قابلیت پیش‌بینی سودهای آینده در اقلام تعهدی سود دست برده و به اصطلاح امروزی سود را مدیریت کند. به بیان دیگر، مدیران تلاش می‌کنند تا با انتخاب روش‌های مجاز حسابداری، نتایج قابل پیش‌بینی و ثابت خلق کنند. زیرا، اغلب سرمایه‌گذاران و مدیران اعتقاد دارند شرکت‌هایی که روند سودآوری مناسبی دارند و سود آن‌ها دچار تغییرات عمده نمی‌شود نسبت به شرکت‌های مشابه، ارزش بیشتر و قابلیت پیش‌بینی و مقایسه‌ی بیشتری دارند. از سوی دیگر، با توجه به تئوری نمایندگی آمدیران می‌توانند از انگیزه‌ی لازم برای دستکاری سود به منظور حداکثر کردن منافع خود برخوردار باشند.

جنین و پیوت (۲۰۰۵)^۲ معتقدند حسابرسی می‌تواند یکی از راه‌های جلوگیری و کاهش مدیریت سود باشد. زیرا اعتقاد بر این است، شرکت‌هایی که صورت‌های مالی حسابرسی شده ارائه کنند دارای محتوای اطلاعاتی و سود با کیفیت بیشتری هستند. اقلام تعهدی وابسته به قضاوت‌های مدیران است و حسابرسی شرکت‌هایی که اقلام تعهدی بیشتری دارند، نیز دشوارتر است. حسابرسی با کیفیت بالاتر، با احتمال بیشتری عملکردهای حسابداری مورد تردید را کشف می‌کند. زیرا موسسه‌های حسابرسی با کیفیت دارای تخصص، منابع و انگیزه‌های بیشتری برای کشف اشتباه و تقلب هستند. [31]

افزایش چشمگیر تجدید ارائه حسابداری، توجهات آکادمیک، قانونی و عمومی زیادی را با در نظر گرفتن تمامی عواقب آن، به خود جلب کرده است. تجدید ارائه، در واقع تصدیق شرکت مبنی بر حذف مواردی از صورت وضعیت مالی و یا وجود اشتباهی در آن می‌باشد. شرکت‌هایی که صورت وضعیت‌های مالی خود را تجدید ارائه می‌کنند، متحمل زیان‌های قابل توجهی در ارزش بازار و افزایش گردش سرمایه شده‌اند. تجدید ارائه حسابداری یک شرکت، به واسطه‌ی گزارشهای مالی بی کیفیت پیشین خود، باعث می‌شود که اعتبار گزارشهای مالی آینده‌ی آن را که توسط آن ارائه خواهند شد، مورد پرسش قرار گیرند. این تجدید ارائه‌ها و متعاقب آن زیان‌های سهامداران، نقش حسابرسان را در تایید کیفیت صورت وضعیت‌های مالی افزایش داده است.

حسابرسان مستقل نقشی اساسی در سازماندهی یک صورت وضعیت مالی معتبر، و ارائه ضمانت به سهامداران نسبت به بی نقص بودن آن دارند. حسابرسی نقش مهم دیگری را نیز ایفا می‌کند و آن، دفاع

¹ SFAC No 1: Objectives of Financial Reporting

² Agency Theory

³ Janin and Piot

از حقوق سرمایه گذاران از طریق شناسایی غصبیات است. بررسی کارشناس حسابرسی با توجه به سیر صعودی تجدید ارائه ها، تعجب برانگیز نیست، چراکه حسابرسان خارجی قادر به تشخیص یک اظهار غلط به عنوان یکی از فاکتورهای اصلی افزایش دهنده تجدید ارائه ها، نبوده اند. ناکامی حسابرسان در جلوگیری از اظهار غلط در گزارش های مالی، می تواند یا به دلیل سهل انگاری وی در انجام وظیفه باشد و یا به دلیل محدودیت در عملیات حسابرسی و یا هر دو باشد. و بنا بر نظر رومانوس (۲۰۰۷)، این استدلال حاکی از آن است که یک رابطه منفی بین کیفیت حسابرسی و احتمال تجدید ارائه حسابداری وجود دارد. هرچند که مطالعات دیگر، کمتر این ایده را که "کیفیت حسابرسی احتمال تجدید ارائه را می کاهش" را تایید می کنند [44].

بنابراین، با توجه به اهمیت صورت های مالی در تصمیمات استفاده کنندگان و آثار مخرب تجدید ارائه بر قابلیت اتکای صورت های مالی و به دلیل نبود پژوهشی در این زمینه، هدف این پژوهش تبیین تأثیر کیفیت حسابرسی و مدیریت سود واقعی و تعهدی بر تجدید ارائه صورت های مالی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

تجدید ارائه، در واقع تصدیق شرکت مبنی بر حذف مواردی از صورت وضعیت مالی و یا وجود اشتباهی در آن می باشد. شرکت هایی که صورت وضعیت های مالی خود را تجدید ارائه می کنند، متحمل زیان های قابل توجهی در ارزش بازار و افزایش گردش سرمایه شده اند. تجدید ارائه حسابداری یک شرکت، به واسطه ی گزارشهای مالی بی کیفیت پیشین خود، باعث می شود که اعتبار گزارشهای مالی آینده ای را که توسط آن ارائه خواهند شد، مورد پرسش قرار گیرند. این تجدید ارائه ها و متعاقب آن زیان های سهامداران، نقش حسابرسان را در تایید کیفیت صورت وضعیت های مالی افزایش داده است. تجدید ارائه ها نوعی آگاهی و تأیید عمومی است از اینکه صورتهای مالی گزارش شده مطابق اصول پذیرفته شده حسابداری تهیه نگردیده و بارزترین شواهد را درباره حسابداری نادرست ارائه می نمایند [40]. تجدید ارائه صورت های مالی موجب کاهش اعتماد سرمایه گذاران به گزارشگری مالی شده و کارایی سرمایه گذاری را کاهش می دهد [41] به این دلیل، هم سازمان بورس اوراق بهادار و هم تحلیل گران مالی، تجدید ارائه صورت های مالی را به دقت مورد بررسی قرار می دهند. تحقیقات قبلی نشان می دهند پس از تجدید ارائه صورت های مالی، شرکت ها با نتایج نامناسبی مواجه می شوند. حتی، تجدید ارائه صورتهای مالی موجب افزایش هزینه سرمایه آنها می گردد [41]. برخی از تحقیقات حکایت از آن دارند که نتایج منفی ناشی از تجدید ارائه اطلاعات مالی متوجه هیئت مدیره و مدیریت ارشد شرکت ها می باشد. (آگراوال و کوپر ۲۰۰۷) نشان دادند شرکتهای تجدید ارائه کننده نسبت به سایر شرکتهای از گردش مدیریتی بیشتری برخوردارند. در هر حال، تجدید ارائه صورت های مالی نه تنها موجب تنزل کیفیت گزارشگری مالی می شود بلکه کیفیت حسابرسی را نیز زیر سوال می برد. در مواردی ممکن است صورتهای مالی منتشر شده یک یا چند دوره قبل شامل اشتباهات با اهمیتی باشند که تصویر مطلوب را مخدوش و در نتیجه قابلیت اتکای صورتهای مالی را کاهش می دهد. اصلاح چنین اشتباهاتی نیز باید از طریق ارائه

مجدد ارقام صورتهای مالی سال یا سال های قبل صورت گیرد. در مورد رابطه ارائه مجدد صورتهای مالی با قیمت سهام و بازار سرمایه و سرمایه گذاران تحقیقاتی صورت گرفته است که نتایج آنها نشان می دهد که بازده های عموماً منفی بازار سهام ناشی از ارائه مجدد وجود دارد [40] ریچاردسون و تونا (۲۰۰۲) دریافته اند که ارائه مجدد صورتهای مالی، با انگیزه های مدیریتی مشابه برای گزارشگری نادرست مرتبط است. این نتایج می تواند بیانگر آن باشد که سرمایه گذاران ممکن است سود بعد از ارائه مجدد صورتهای مالی را با قابلیت اتکای کمتری در نظر بگیرند. [42] بنابراین موضوع در خور توجه، بررسی واکنش سرمایه گذاران نسبت به ارائه مجدد صورتهای مالی دوره یا دوره های قبل است زیرا تلقی سرمایه گذاران نسبت به این موضوع می تواند بر تصمیمات سرمایه گذاری آنها مؤثر باشد. [35]

حسابرسان مستقل نقشی اساسی در سازماندهی یک صورت وضعیت مالی معتبر، و ارائه ضمانت به سهامداران نسبت به بی نقص بودن آن دارند. حسابرسی نقش مهم دیگری را نیز ایفا می کند و آن، دفاع از حقوق سرمایه گذاران از طریق شناسایی تحریفها است. بررسی کارشناس حسابرسی با توجه به سیر صعودی تجدید ارائه ها، تعجب برانگیز نیست، چراکه حسابرسان مستقل قادر به تشخیص یک ادعای غلط به عنوان یکی از فاکتورهای اصلی افزایش دهنده تجدید ارائه ها، نبوده اند. ناکامی حسابرسان در جلوگیری از ادعای غلط در گزارش های مالی، می تواند یا به دلیل سهل انگاری وی در انجام وظیفه باشد و یا به دلیل محدودیت در عملیات حسابرسی و یا هر دو باشد. و بنا بر نظر رومانوس (۲۰۰۸)، این استدلال حاکی از آن است که یک رابطه منفی بین کیفیت حسابرسی و احتمال تجدید ارائه حسابداری وجود دارد. هرچند که مطالعات دیگر، کمتر این ایده را که "کیفیت حسابرسی احتمال تجدید ارائه را می کاهش" را تایید می کنند. [44]

گریفین (۲۰۰۲) در تحقیقی با عنوان "پاسخ تحلیل گران مالی نسبت به تجدید ارائه صورتهای مالی و افشای درست آن" به این نتیجه دست پیدا کردند که تعداد تحلیل گرانی که علاقه مند وضعیت شرکت هستند، پس از اعلان تجدید ارائه صورتهای مالی و افزایش غیرعادی عدم تقارن اطلاعاتی بین گروه های دارای اطلاعات نهانی (درون شرکتی) و سایر استفاده کنندگان از صورتهای مالی شرکت ها، قبل اعلان تجدید ارائه صورتهای مالی کاهش می یابد. [27]

ویلسون و همکاران (2008) در تحقیقی با عنوان "محتوای اطلاعاتی و پیامدهای تجدید ارائه سود" به این نتیجه دست پیدا کردند که بازار سهام نسبت به اعلان تجدید ارائه صورتهای مالی واکنش منفی نشان می دهد و این واکنش منفی بازار سهام در مواردی که تجدید ارائه با تغییر در مدیریت ارشد شرکت همراه بوده است، شدت بیشتری دارد. [48]

لیو (۲۰۰۷) در تحقیقی با عنوان "عواقب تجدید ارائه صورتهای مالی برای حسابرسان و مدیران رده بالا" به این نتیجه دست پیدا می کنند که در شرکت هایی که تجدید ارائه صورتهای مالی داشتند، سهامداران بیشتر تمایل به تغییر حسابرس شرکت، تغییر مدیرعامل شرکت و تغییر مدیر مالی شرکت دارند. [37]

کولینز و همکاران (۲۰۰۸) در تحقیقی با عنوان "تأثیر تجدید ارائه صورت های مالی بر روی جریان وجوه نقد شرکت و پاداش اعضای هیئت مدیره" به این نتیجه دست پیدا کردند که بین استعفای مدیران مالی و کاهش پاداش مدیریت با تجدید ارائه صورت های مالی با انگیزه تقلب در صورت های مالی رابطه وجود دارد. [19]

شولز (۲۰۰۸) در تحقیقی با عنوان "ماهیت در حال تغییر و پیامدهای عمومی تجدید ارائه صورت های مالی شرکت ها" به این نتیجه دست پیدا کردند که بازار سرمایه به تجدید ارائه صورت های مالی واکنش منفی نشان می دهد و شدت این واکنش در موارد مرتبط با تقلب در صورت های مالی و یا مواردی که باعث شناسایی درآمد توسط شرکت می شود، بیشتر است. [47]

روتستین (۲۰۰۸) در تحقیقی با عنوان "تغییرات در نظام حاکمیت شرکتی به دنبال تجدید ارائه سود" به این نتیجه دست پیدا کردند که نظام حاکمیت شرکتی پس از تجدید ارائه صورت های مالی که منجر به کاهش سود انباشته شرکت ها می شود، دستخوش تغییر خواهد شد. [45]

بارنیو و گائو (۲۰۰۹) در تحقیقی با عنوان "آیا عدم قطعیت اطلاعات در پاسخ سرمایه گذاران نسبت به پیش بینی تحلیلگران از تجدید ارائه صورت های مالی تأثیر می گذارد؟" به این نتیجه دست پیدا کردند که سرمایه گذاران درباره شرکت هایی که صورت های مالی تجدید ارائه شده دارند، قبل از مبادرت به سرمایه گذاری به ویژگی های بیشتری توجه می کنند. [26]

نوریامان (۲۰۱۳) در پژوهشی تحت عنوان «تأثیر مدیریت سود بر بازده سهام و نقش کیفیت حسابرسی به عنوان متغیر میانجی (تعدیل گر)» به این نتیجه رسید مدیریت سود تأثیر منفی بر بازده سهام دارد و کیفیت حسابرسی رابطه منفی مدیریت سود با بازده سهام را تقویت می کند به عبارت دیگر، رابطه منفی مدیریت سود با بازده سهام برای شرکت های حسابرسی شده توسط چهار موسسه بزرگ حسابرسی در مقایسه با شرکت های حسابرسی شده توسط سایر موسسات حسابرسی بیشتر است. [39]

جیانگ و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهشی تحت عنوان «تجدید ارائه حسابداری و کیفیت حسابرسی در چین» به این نتیجه رسیدند که حسابرسی با کیفیت بالا باعث کاهش تجدید ارائه صورت های مالی می گردد.

عبدلی و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی تحت عنوان «تأثیر ویژگی های حسابرسی بر تجدید ارائه صورتهای مالی» به این نتیجه رسیدند که بین چرخش حسابرسی و اندازه موسسه حسابرسی با میانگین ارقام تجدید ارائه شونده در صورت های مالی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. [8]

آقایی و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی تحت عنوان «تأثیر تجدید ارائه صورت های مالی بر کیفیت اقلام تعهدی» به این نتیجه رسیدند که کیفیت سود (اقلام تعهدی) بطور معناداری از دوره تحریف تا دوره بعد از اطلاعیه تجدید ارائه افزایش یافته است. آنها همچنین به این نتیجه رسیدند که متغیرهای تغییر اندازه شرکت، تغییر فروش، تغییر جریان های نقدی حاصل از عملیات، تغییر نسبت بدهی، نسبت ارزش بازار

¹ Nuryaman

به ارزش دفتری سهام، درصد مالکیت سهامداران نهادی و مدت تصدی مدیریت عامل با تغییر کیفیت سود در شرکت های تجدید ارائه کننده سود رابطه معناداری دارند.[2]

حیدری (۱۳۹۳) در پژوهشی تحت عنوان «رابطه تجدید ارائه صورتهای مالی با تغییر حسابرس مستقل» به این نتیجه رسید که بین تجدید ارائه صورتهای مالی با تغییر حسابرسان رابطه معناداری وجود ندارد. اما، بین تجدید ارائه با اهمیت صورتهای مالی با تغییر حسابرسان مستقل رابطه معنادار وجود دارد.

اکبری (۱۳۹۳) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی تاثیر کیفیت حسابرسی (تخصص، دوره تصدی گری، اندازه حسابرسی) بر احتمال تجدید ارائه صورت های مالی» به این نتیجه رسید که افزایش کیفیت حسابرسی در دوره جاری، احتمال تجدید صورت های مالی در دوره های آتی را کاهش می دهد. همچنین نتایج نشان می دهد از میان معیارهای کیفیت حسابرسی تنها میان دوره تصدی حسابرس و احتمال تجدید ارائه صورت های مالی در شرکت های پذیرفته در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معناداری وجود دارد.

بولو و احمدی (۱۳۹۴) در پژوهشی تحت عنوان «رابطه تجدید ارائه سود هر سهم با بازده و نسبت قیمت به سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران» به این نتیجه رسیدند که بین اندازه تجدید ارائه سود هر سهم با نسبت قیمت به سود رابطه وجود ندارد، ولی بین تفاوت اندازه تجدید ارائه سود هر سهم با بازده سهام رابطه وجود دارد. همچنین نتایج پژوهش نشان می دهد که بین نسبت قیمت به سود در دو گروه از شرکت های تجدید ارائه کننده و غیر تجدید ارائه کننده، تفاوت معنادار وجود دارد.[4]

ساریخانی و برزگر (۱۳۹۵) به بررسی رابطه ی بین کیفیت حسابرسی و تجدید ارائه صورتهای مالی ناشی از مدیریت سود و مدیریت وجه نقد در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نمونه آماری این پژوهش شامل ۱۴۶ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است که در بازه زمانی ۱۳۹۳-۱۳۸۵ مورد بررسی قرار گرفته است. یافته های پژوهش نشان داد با افزایش کیفیت حسابرسی، احتمال تجدید ارائه ناشی از مدیریت سود و تجدید ارائه ناشی از مدیریت وجه نقد کاهش مییابد. بین اندازه حسابرس و تخصص حسابرس با هر سه معیار تجدید ارائه رابطه منفی و معنادار وجود دارد. افزون بر این، بین دوره تصدی و تجدید ارائه در حالت کلی و تجدید ارائه ناشی از مدیریت سود، رابطه مثبت و معنادار مشاهده شد[3].

مجتهدزاده و دیگران (۱۳۹۵) در پژوهشی تحت عنوان تجدید ارائه ی صورتهای مالی و رفتار پیشبینی سود مدیران دریافتند در پی تجدید ارائه ها دو انگیزه متناقض «بهبود حسن شهرت مدیر در نقش ارائه کننده صورتهای مالی» و «اجتناب از ریسک های متعاقب تجدید ارائه، با سوبه دار (بدبینانه) نمودن پیش بینی های پس از تجدید ارائه» می تواند مطرح باشد. برای بررسی رفتار پیش بینی سود مدیران در دوره های قبل و بعد از تجدید ارائه از روش پژوهش شبه آزمایشی و طرح سری های زمانی منقطع با گروه مقایسه در دو گروه آزمون و کنترل متشکل از شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران (در مجموع ۶۵ شرکت) طی سال های ۱۳۸۶-۱۳۹۱ استفاده شده است. به موجب یافته های پژوهش، سوبه خوش بینانه مدیران در پیش بینی سودهای آتی در دوره های پس از تجدید ارائه نسبت به دوره های

قبل از آن، تغییر معناداری نداشته است. با رد فرضیه پژوهش مبنی بر وجود تفاوت معنادار در رفتار پیش بینی سود مدیران شرکت های تجدید ارائه کننده نسبت به شرکت های گروه کنترل، چنین استدلال می شود که عوامل دیگری غیر از تجدید ارائه می توانند موجب تغییر در رفتار پیش بینی سود مدیران در شرکت های گروه آزمون باشند [11]

پاکدل و سرخانی مقدم (۱۳۹۷) به بررسی رابطه بین حق الزحمه غیر عادی حسابرسی و تجدید ارائه صورتهای مالی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند جامعه مورد مطالعه شامل 132 شرکت طی دوره مالی ۱۳۸۸ الی ۱۳۹۲ میباشد. نتایج نشان دهنده عدم ارتباط معنی دار بین حق الزحمه غیرعادی حسابرسی و تجدید ارائه صورت های مالی بوده است همچنین درصد بالایی از تجدید ارائه ها در ایران، به دلیل اصلاح اشتباهات ارائه صورتهای مالی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران میباشد [5]

فرضیه های پژوهش

- فرضیه اول:** کیفیت حسابرسی بر تجدید ارائه صورت های مالی تأثیر دارد.
- فرضیه دوم:** مدیریت سود تعهدی بر تجدید ارائه صورت های مالی تأثیر دارد.
- فرضیه سوم:** مدیریت سود واقعی بر تجدید ارائه صورت های مالی تأثیر دارد.

روش پژوهش

نحوه جمع آوری داده ها

این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی است. طرح پژوهش آن از نوع پژوهش های شبه تجربی و پس رویدادی است و با استفاده از اطلاعات تاریخی انجام می شود. برای گردآوری اطلاعات مبانی نظری پژوهش از نشریات، کتب و همچنین پایگاه های اطلاعاتی در دسترس استفاده شده است. همچنین، داده های مورد نیاز برای تجزیه و تحلیل، از نرم افزار های تدبیرپرداز، ره آورد نوین و اطلاعات صورت های مالی حسابرسی شده و یادداشت های توضیحی شرکت ها استخراج شده است.

جامعه آماری، نمونه آماری و بازه ی زمانی پژوهش

جامعه آماری پژوهش حاضر، کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. بازه ی زمانی نیز یک دوره زمانی ۷ ساله براساس صورتهای مالی سال های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۵ شرکت های نمونه می باشد.

در پژوهش حاضر آن دسته از شرکت های جامعه آماری که شرایط زیر را دارا باشند انتخاب و مابقی حذف می شوند.

جدول ۱: جامعه غربال شده

۸۰۴	تعداد کل شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران
	کسر می شود:
(۹۳)	تعداد شرکت هایی که سال مالی آنها منتهی به پایان اسفند نمی باشد و یا طی دوره تحقیق تغییر سال مالی داده باشند.
(۴۱)	تعداد شرکت هایی که در گروه شرکت های هلدینگ، سرمایه گذاری و یا واسطه گری های مالی بوده اند.
(۱۱۷)	تعداد شرکت هایی که اطلاعات کامل آن ها در دسترس نمی باشد.
(۱۰۹)	تعداد شرکت های که بیش از سه ماه توقف معاملاتی داشته اند.
۱۲۰	تعداد شرکت های نمونه

مدل های اصلی پژوهش و نحوه آزمون فرضیه ها

به منظور آزمون فرضیه اول دوم سوم پژوهش از مدل رگرسیون لجستیک زیر بهره گرفته می شود: [10]
رابطه (۱) مدل فرضیه اول

$$REST_{it} = \beta_0 + \beta_1 AUDIT_{it} + \beta_2 LEV_{it} + \beta_3 AGE_{it} + \beta_4 ZSCORE_{it} + \beta_5 GROWTH_{it} + \beta_6 BSIZE_{it} + \beta_7 DUAL_{it} + \beta_8 STOWN_{it} + \beta_9 INSTITUTE_{it} + \beta_{10} MGROWN_{it} + \varepsilon_{it}$$

رابطه (۲) مدل فرضیه دوم

$$REST_{it} = \beta_0 + \beta_1 AEM_{it} + \beta_2 LEV_{it} + \beta_3 AGE_{it} + \beta_4 ZSCORE_{it} + \beta_5 GROWTH_{it} + \beta_6 BSIZE_{it} + \beta_7 DUAL_{it} + \beta_8 STOWN_{it} + \beta_9 INSTITUTE_{it} + \beta_{10} MGROWN_{it} + \varepsilon_{it}$$

رابطه (۳) مدل فرضیه سوم

$$REST_{it} = \beta_0 + \beta_1 REM_{it} + \beta_2 LEV_{it} + \beta_3 AGE_{it} + \beta_4 ZSCORE_{it} + \beta_5 GROWTH_{it} + \beta_6 BSIZE_{it} + \beta_7 DUAL_{it} + \beta_8 STOWN_{it} + \beta_9 INSTITUTE_{it} + \beta_{10} MGROWN_{it} + \varepsilon_{it}$$

در مدل های فوق متغیر وابسته تجدید ارائه صورتهای مالی (REST) می باشد مدیریت سود تعهدی (AEM)، مدیریت سود واقعی (REM) و کیفیت حسابرسی (AUDIT) نیز به عنوان متغیرهای مستقل در نظر گرفته شده اند. علاوه بر این، متغیرهای اهرم مالی (LEV)، عمر شرکت (AGE)، احتمال ورشکستگی (ZSCORE)، رشد دارایی های شرکت (GROWTH)، اندازه هیأت مدیره (BSIZE)، دوگانگی مدیر عامل (DUAL)، مالکیت دولتی (STOWN)، مالکیت نهادی (INSTITUTE) و مالکیت مدیریتی (MGROWN) به عنوان متغیرهای کنترلی در نظر گرفته شده اند. در ادامه تعریف عملیاتی متغیرهای پژوهش ارائه می گردد.

متغیر وابسته: تجدید ارائه صورت های مالی (REST): این متغیر یک متغیر مجازی است، در صورتی که شرکت صورت های مالی خود را تجدید ارائه کرده باشد عدد یک و در غیر اینصورت عدد صفر تعلق می گیرد.

متغیرهای مستقل:

کیفیت حسابرسی (AUDIT): یکی از متغیرهای مستقل در این پژوهش کیفیت حسابرسی است که به منظور اندازه گیری آن از معیار اندازه موسسه حسابرسی استفاده خواهد شد. اندازه ی موسسه حسابرسی یک متغیر مجازی است در این پژوهش، سازمان حسابرسی به عنوان موسسه بزرگ و دارای اعتبار و شهرت بالا (درجه ۱) و در مقابل سایر موسسات حسابرسی (موسسات عضو جامعه حسابداران رسمی)، که اندازه آنها نسبت به سازمان حسابرسی کوچک تر است، به عنوان موسسات دارای اعتبار و شهرت پایین (درجه ۲) در گرفته خواهد شد. در صورتی که حسابرس شرکت صاحبکار در طی دوره پژوهش، سازمان حسابرسی بوده است، مقدار متغیر مجازی اندازه موسسه حسابرسی برابر با یک و در غیر اینصورت مقدار آن برابر با صفر در نظر گرفته خواهد شد. [32]

مدیریت سود تعهدی (AEM): به تبعیت از جیانگ و همکاران (۲۰۱۵)، در این پژوهش به منظور اندازه گیری مدیریت سود تعهدی از معیار ارقام تعهدی اختیاری استفاده شده است، روش ارقام تعهدی اختیاری فرض می کند که مدیران برای مدیریت سود اساساً به اختیارات خود در خصوص ارقام تعهدی حسابداری تکیه می کنند. ارقام تعهدی شامل ارقام تعهدی اختیاری و غیراختیاری می باشد، در حالی که ارقام تعهدی غیراختیاری به واسطه مقررات، سازمان ها و دیگر عوامل خارجی محدود هستند، ارقام تعهدی اختیاری، قابل اعمال نظر توسط مدیریت هستند. بنابراین جزء اختیاری ارقام تعهدی به عنوان شاخصی در جهت کشف مدیریت سود در واحدهای تجاری، در مطالعات حسابداری به کار گرفته شده است در این تحقیق از مدل تعدیل شده جونز (۱۹۹۱) بهره گرفته شده است [34]، که به شرح زیر می باشد:

رابطه (۴)

$$\frac{TAC_{i,t}}{TA_{i,t-1}} = \alpha_0 + \alpha_1 \left(\frac{1}{TA_{i,t-1}} \right) + \alpha_2 \left(\frac{\Delta REV_{i,t} - \Delta REC_{i,t}}{TA_{i,t-1}} \right) + \alpha_3 \left(\frac{PPE_{i,t}}{TA_{i,t-1}} \right) + \varepsilon_{i,t}$$

در این رابطه، $TAC_{i,t}$ معرف مجموع ارقام تعهدی (تفاوت تغییر در دارایی های جاری غیر نقدی پولی و تغییر در بدهی های جاری عملیاتی)، $TA_{i,t}$ کل دارایی ها شرکت i در ابتدای سال جاری یا پایان سال قبل، $\Delta REV_{i,t}$ نشان دهنده تغییر در فروش خالص، $\Delta REC_{i,t}$ نشان دهنده تغییر در حساب های دریافتی و $PPE_{i,t}$ نشان دهنده ناخالص اموال، ماشین آلات و تجهیزات است. $\varepsilon_{i,t}$ نشان دهنده خطا یا پسماند مدل است.

پس از تخمین پارامترهای رابطه (۴)، ارقام تعهدی غیراختیاری (NDAC) به شرح زیر برای "دوره برآورد" محاسبه می شوند:

¹ Jiang et al.

رابطه (۵)

$$NDAC_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 \left(\frac{1}{TA_{i,t-1}} \right) + \alpha_2 \left(\frac{\Delta REV_{i,t} - \Delta REC_{i,t}}{TA_{i,t-1}} \right) + \alpha_3 \left(\frac{PPE_{i,t}}{TA_{i,t-1}} \right)$$

در مرحله آخر، اقلام تعهدی اختیاری (DAC) به شرح زیر محاسبه می‌شوند:

رابطه (۶)

$$DAC_{it} = \frac{TAC_{i,t}}{TA_{i,t-1}} - NDAC_{it}$$

به طریقی ساده تر می توان گفت که پسماند یا خطای ($\varepsilon_{i,t}$) مدل تعدیل شده جونز (رابطه ۳-۴)) نشان دهنده اقلام تعهدی اختیاری (DAC) است که معیاری برای مدیریت سود تعهدی است.

مدیریت سود واقعی (REM): برای اندازه گیری مدیریت سود واقعی، معمولاً روش رویچودری (۲۰۰۶) به کار گرفته می شود. رویچودری (۲۰۰۶) به منظور اندازه گیری سطح دستکاری فعالیت های واقعی، سه معیار شامل: سطح غیر عادی جریان وجوه نقد ناشی از فعالیت های عملیاتی، سطح غیر عادی هزینه های تولید، و سطح غیر عادی هزینه غیر عادی ارائه کرده است. پژوهش های صورت گرفته بعد از رویچودری، از قبیل زانگ (۲۰۰۷) و گانی (۲۰۰۵)، شواهدی در حمایت از اعتبار این معیارها ارائه کرده اند. در این پژوهش به پیروی از رویچودری (۲۰۰۶) و زانگ (۲۰۰۶) مدیریت سود واقعی به روش زیر اندازه گیری می شود:

ابتدا سطوح غیر عادی جریان وجوه نقد ناشی از فعالیت های عملیاتی، هزینه های اختیاری و هزینه های تولید با استفاده از مدل توسعه یافته دیچو و همکاران (۱۹۹۸)، مشابه آنچه در تحقیق رویچودری (۲۰۰۶) انجام شده، محاسبه می شود. [23]

جریان وجوه نقد ناشی از فعالیت های عملیاتی به عنوان تابعی خطی فروش و تغییرات آن در سال جاری تعریف می شود. برای برآورد این مدل، رگرسیون مقطعی زیر برای هر سال - صنعت به کار گرفته می شود:

رابطه (۷)

$$\frac{CFO_{i,t}}{Assets_{i,t-1}} = \alpha_0 + \alpha_1 \frac{1}{Assets_{i,t-1}} + \alpha_2 \frac{Sales_{i,t}}{Assets_{i,t-1}} + \alpha_3 \frac{\Delta Sales_{i,t}}{Assets_{i,t-1}} + \varepsilon_{i,t}$$

CFO_{i,t}: جریان وجوه نقد ناشی از فعالیت های عملیاتی شرکت i در سال tAssets_{i,t-1}: کل دارایی های شرکت i در پایات سال t-1Sales_{i,t}: فروش شرکت i در طی سال tΔSales_{i,t}: تغییرات فروش شرکت i در طی سال tε_{i,t}: باقیمانده (خطای) مدل

در رابطه بالا خطای مدل (ε_{i,t}) نشان دهنده جریان وجه نقد عملیاتی غیر عادی می باشد. هر چه قدر سطح غیر عادی جریان وجوه نقد ناشی از فعالیت های عملیاتی بیشتر باشد نشان دهنده مدیریت سود واقعی کمتر است.

هزینه های تولید به عنوان تابعی خطی فروش سال جاری و تغییرات آن در سال جاری و سال قبل تعریف می شود. برای برآورد این مدل، رگرسیون مقطعی زیر برای هر سال-صنعت به کار گرفته می شود:

رابطه (۸)

$$\frac{Prod_{i,t}}{Assets_{i,t-1}} = \alpha_0 + \alpha_1 \frac{1}{Assets_{i,t-1}} + \alpha_3 \frac{Sales_{i,t}}{Assets_{i,t-1}} + \alpha_3 \frac{\Delta Sales_{i,t-1}}{Assets_{i,t-1}} + \alpha_2 \frac{\Delta Sales_{i,t}}{Assets_{i,t-1}} + \varepsilon_{i,t}$$

$Prod_{i,t}$: هزینه های تولید شرکت i در سال t

باقیمانده (خطای) مدل بالا نشان دهنده سطح غیر عادی هزینه های تولید است، هر چه قدر سطح غیر عادی هزینه های تولید بیشتر باشد نشان دهنده مدیریت سود واقعی بیشتر است. سطوح عادی هزینه های اختیاری نیز به صورت یک تابع خطی از فروش در نظر گرفته می شود. این مدل رگرسیونی به صورت مقطعی و برای هر سال صنعت برآورد می گردد.

رابطه (۹)

$$\frac{DISEXP_{i,t}}{Assets_{i,t-1}} = \alpha_0 + \alpha_1 \frac{1}{Assets_{i,t-1}} + \alpha_2 \frac{Sales_{i,t-1}}{Assets_{i,t-1}} + \varepsilon_{i,t}$$

$DISEXP_{i,t}$: هزینه های اختیاری (هزینه های توزیع، فروش، عمومی و اداری) شرکت i در سال t

باقیمانده (خطای) مدل بالا نشان دهنده سطح غیر عادی هزینه های اختیاری است، هر چه قدر سطح غیر عادی هزینه های اختیاری بیشتر باشد نشان دهنده مدیریت سود واقعی کمتر است. معیارهای جریان وجوه نقد ناشی از فعالیت های عملیاتی غیر عادی، هزینه های تولید غیر عادی و هزینه های اختیاری غیر عادی، معیار های انفرادی برای اندازه گیری سطوح دستکاری فعالیت های واقعی هستند. به منظور ارائه معیاری جامع برای اندازه گیری مدیریت سود واقعی، متغیرهای انفرادی مدیریت سود واقعی را با هم ترکیب می کنیم. برای این منظور، به پیروی از ژانگ (۲۰۰۶)، مقادیر جریان وجوه نقد ناشی از فعالیت های عملیاتی غیر عادی و هزینه های اختیاری غیر عادی را در منفی یک ضرب می کنیم ولی مقادیر هزینه های تولید غیر عادی در عدد منفی یک ضرب نمی شود. [24]

رابطه (۱۰)

$$REM = ACFO * (-1) + ADISEXP * (-1) + AProd$$

$ACFO$: جریان وجوه نقد ناشی از فعالیت های عملیاتی غیر عادی

$AProd$: هزینه های تولید غیر عادی

$ADISEXP$: هزینه های اختیاری غیر عادی

هر چه مقادیر رابطه بالا بیشتر باشد نشان دهنده مدیریت سود واقعی بیشتر است و برعکس. متغیرهای کنترلی:

اهرم مالی (LEV): یکی از متغیرهای کنترلی پژوهش است که به این مفهوم است که چند درصد از دارایی های شرکت از محل بدهی تأمین شده است. اهرم مالی به صورت نسبت جمع بدهی های شرکت به جمع دارایی های آن در پایان سال مالی محاسبه می شود.

رابطه (۱۱)

$$LEV = \frac{\text{کل بدهی ها}}{\text{کل دارایی ها}}$$

عمر شرکت (AGE): یکی دیگر از متغیرهای مستقل در این پژوهش عمر شرکت است که به صورت زیر محاسبه می شود:

رابطه (۱۲)

AGE = Ln(تعداد سال های سپری شده از تاریخ تأسیس شرکت تا سال جاری)

احتمال ورشکستگی (ZSCORE): معیار Z آلتمن، بیانگر متغیر ریسک ورشکستگی می باشد.

رابطه (۱۳)

$$Z = 0.717X_1 + 0.847X_2 + 3.107X_3 + 0.42X_4 + 0.998X_5$$

که در آن:

X_1 = کل دارایی / سرمایه در گردش

X_2 = کل دارایی / سود انباشته

X_3 = کل دارایی / سود قبل از بهره و مالیات

X_4 = کل دارایی / ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام

X_5 = کل دارایی / کل فروش

بر اساس مدل آلتمن که توسط کردستانی و همکاران (۱۳۹۲)، در بورس اوراق بهادار تهران، تعدیل شده است نمره ریسک ورشکستگی شرکت بدست می آید. [9] علت استفاده از ضرایب تعدیل شده این است که ضرایب اصلی مدل آلتمن در محیط اقتصادی آمریکا طراحی شده، ممکن است در محیط ایران، نتواند نتیجه قابل قبولی ارائه دهد. خلاصه مدل تعدیل شده آلتمن و متغیرهای آن به شرح فرمول زیر است:

رابطه (۱۴)

$$\text{Adjusted-Z'-score} = 0.291 Y1 + 2.458 Y2 - 0.301 Y3 - 0.079 Y4 - 0.05 Y5$$

Y1: سرمایه در گردش به کل دارایی ها؛

Y2: سود (زیان) انباشته به کل دارایی ها؛

Y3: سود و زیان عملیاتی به کل دارایی ها؛

Y4: ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام به کل بدهی ها؛

Y5: فروش به کل دارایی ها.

در این مدل هرچه مدل تعدیل شده آلتمن کمتر باشد، ریسک ورشکستگی شرکت بیشتر است. رشد دارایی های شرکت (GROWTH): منظور از متغیر میزان رشد کل دارایی های سال جاری شرکت نسبت به سال قبل می باشد که از طریق تقسیم تفاوت دارایی های سال جاری و دارایی های سال قبل بر دارایی های سال قبل به دست می آید.

اندازه هیأت مدیره (BSIZE): یکی دیگر از متغیرهای کنترلی پژوهش اندازه هیأت مدیره است که نشان دهنده تعداد اعضای هیأت مدیره است.

دوگانگی مدیر عامل (DUAL): یکی از متغیرهای کنترلی پژوهش دوگانگی مدیر عامل است که یک متغیر مجازی است، در صورتی که مدیر عامل، رئیس هیأت مدیره هم باشد عدد یک و در غیر اینصورت عدد صفر تعلق می گیرد. [38]

مالکیت دولتی (STOWN): منظور از مالکیت دولتی، درصد سهام متعلق به شرکت و سازمان های دولتی می باشد. که از طریق تقسیم تعداد سهام متعلق به سازمان ها، نهادها و شرکت های دولتی بر کل سهام منتشره ی شرکت بدست می آید.

مالکیت نهادی (INSTITUTE): یکی از سازوکارهای مؤثر حاکمیت شرکتی که اهمیت فزاینده ی دارد، ظهور سرمایه گذاران نهادی به عنوان مالکان شرکت ها بوده است. مالکان نهادی در شکل گیری بسیاری از تغییرات در سیستم های حاکمیت شرکتی نقشی اساسی دارند. هم چنین بر اساس نظر هربال [30] این امر از فعالیت های نظارتی، فعالیت هایی که مالکان با توجه به نظریه نمایندگی برای نظارت بر مدیریت انجام می دهند، سرچشمه می گیرد. مطابق تعریف ارائه شده و مورد استفاده در پژوهش های روبین (۲۰۰۷) [44] برای محاسبه ی سطح مالکیت نهادی مجموع سهام در اختیار بانک ها و بیمه ها؛ هلدینگ ها؛ شرکت های سرمایه گذاری؛ صندوق های بازنشستگی؛ شرکت های تأمین سرمایه؛ صندوق های بازنشستگی؛ شرکت های تأمین سرمایه؛ صندوق های سرمایه گذاری و سازمان ها، نهادها و شرکت های دولتی بر کل سهام منتشره ی شرکت تقسیم شده و درصد یا میزان مالکیت نهادی بدست می آید. در پژوهش حاضر سطح مالکیت نهادی به شرح زیر محاسبه می شود:

رابطه (۱۵)

(کل سهام منتشره شرکت) / (مجموع سهام در اختیار مالکان نهادی) = سطح مالکیت نهادی

مالکیت مدیریتی (MGROWN): جنسن [33] استدلال کرده اند که افزایش درصد مالکیت مدیریتی ارزش شرکت را از طریق کاهش هزینه های نمایندگی افزایش می دهد. این متغیر در پژوهش حاضر برابر با درصد سهام عادی متعلق به مدیران موظف و غیر موظف است [29]

رابطه (۱۶)

(کل سهام منتشره شرکت) / (مجموع سهام در اختیار مدیران) = مالکیت مدیریتی

یافته های پژوهش

آمار توصیفی

در جدول (۲)، برخی از مفاهیم آمار توصیفی متغیرها، شامل میانگین، میانه، حداقل مشاهدات، حداکثر مشاهدات و انحراف معیار ارائه شده است. به عنوان مثال میانگین درصد مالکیت نهادی ۵۷،۳۹ درصد می باشد که به توجه به انحراف معیار (۱۴،۲۱ درصد) از نوسان نسبتاً پایینی برخوردار است. میانگین اهرم مالی ۰،۶۲۸۷ می باشد که نشان دهنده این است که ۶۲،۸۷٪ منابع مالی شرکت از طریق بدهی تأمین

مالی شده است. نتایج ارائه شده در جدول (۳) نیز نشان می دهد درصد فراوانی تجدید ارائه صورت های مالی ۵۵,۴۸٪ می باشد که نشان دهنده این است که تقریباً ۵۶٪ شرکت ها صورت های مالی خودشان را تجدید ارائه کرده اند.

جدول ۲: آمار توصیفی متغیرهای پیوسته پژوهش

نام متغیر	نماد	تعداد مشاهدات	میانگین	میانه	حداکثر	حداقل	انحراف معیار
مدیریت سود تعهدی	AEM	840	0.0931	0.0728	0.3048	0.0059	0.0717
مدیریت سود واقعی	REM	840	-0.0116	0.0011	0.3482	-0.4861	0.1863
اهرم مالی	LEV	840	0.6287	0.6388	0.9709	0.2994	0.1628
عمر شرکت	AGE	840	3.5655	3.6889	4.1589	2.3979	0.3750
احتمال ورشکستگی	ZSCORE	840	0.1972	0.1966	0.8563	-0.7569	0.3420
رشد دارایی های شرکت	GROWTH	840	0.1458	0.1204	0.6582	-0.1250	0.1644
اندازه هیأت مدیره	BSIZE	840	5.0226	5	7	4	0.2503
مالکیت دولتی	STOWN	840	0.4486	0.4413	0.8894	0	0.1478
مالکیت نهادی	INSTITUTE	840	0.5739	0.5896	0.8878	0	0.1421
مالکیت مدیریتی	MGOWN	840	0.1735	0.1843	0.2798	0	0.0638

جدول ۳: آمار توصیفی متغیرهای گسسته پژوهش

نام متغیر	نماد	طبقه	فراوانی	درصد
تجدید ارائه صورت های مالی	RESTA	تجدید ارائه	۴۶۶	55.48%
		عدم تجدید ارائه	۳۷۴	44.52%
کیفیت حسابرسی	AUDIT	کیفیت بالای حسابرسی	۲۲۴	26.64%
		کیفیت پایین حسابرسی	۶۱۶	73.36%
دوگانگی وظایف مدیر عامل	DUAL	دوگانگی	۴۳۸	52.14%
		عدم دوگانگی	۴۰۲	47.86%

نتایج بدست آمده از جدول ضریب همبستگی نشان می دهد که در سطح اطمینان ۹۵٪، کیفیت حسابرسی، اهرم مالی، عمر شرکت، رشد دارایی های شرکت، مالکیت دولتی، مالکیت نهادی و مالکیت مدیریتی با تجدید ارائه صورت های مالی همبستگی معکوس و معناداری دارند در حالی که، مدیریت سود تعهدی، مدیریت سود واقعی و اندازه هیأت مدیره با تجدید ارائه صورت های مالی همبستگی مستقیم و معناداری دارند.

جدول ۴: ضرایب همبستگی متغیرهای پژوهش

ردیف	متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱	REST	۱						
	احتمال	----						
۲	AUDIT	-0.125	۱					
	احتمال	0.0001	----					
۳	AEM	0.098	0.005	۱				
	احتمال	0.0105	0.8772	----				
۴	REM	0.080	0.018	-0.102	۱			
	احتمال	0.0199	0.5930	0.0032	----			
۵	LEV	-0.194	0.073	0.081	0.317	۱		
	احتمال	0.0000	0.0337	0.0193	0.0000	----		
۶	AGE	-0.081	0.152	0.034	-0.016	-0.018	۱	
	احتمال	0.0147	0.0000	0.3258	0.6424	0.6121	----	
۷	ZSCORE	-0.012	0.009	-0.048	-0.319	-0.848	0.072	۱
	احتمال	0.7354	0.7833	0.1646	0.0000	0.0000	0.0383	----
۸	GROWTH	-0.081	-0.012	0.339	-0.036	-0.155	0.012	0.117
	احتمال	0.0189	0.7219	0.0000	0.2925	0.0000	0.7366	0.0007
۹	BSIZE	0.084	-0.008	0.011	0.015	0.008	-0.040	0.035
	احتمال	0.0152	0.8274	0.7460	0.6733	0.8085	0.2432	0.3116
۱۰	DUAL	0.014	-0.005	-0.023	0.040	0.062	-0.064	-0.058
	احتمال	0.6786	0.8810	0.5112	0.2462	0.0735	0.0637	0.0913
۱۱	STOWN	-0.119	-0.049	-0.004	-0.015	-0.005	0.043	-0.021
	احتمال	0.0003	0.1491	0.9014	0.6590	0.8954	0.2113	0.5386

ردیف	متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱۲	INSTITUTE	-0.423	0.045	0.019	-0.009	0.038	-0.002	-0.045
	احتمال	0.0000	0.1974	0.5676	0.7756	0.2655	0.9452	0.1883
۱۳	MGOWN	-0.125	0.068	0.004	0.052	-0.083	-0.023	0.146
	احتمال	0.0002	0.0482	0.8993	0.1328	0.0159	0.5128	0.0000
ردیف	متغیرها	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	
۸	GROWTH	۱						
	احتمال	----						
۹	Bsize	-0.035	۱					
	احتمال	0.3132	----					
۱۰	DUAL	-0.033	-0.056	۱				
	احتمال	0.3397	0.1031	----				
۱۱	STOWN	-0.055	-0.004	0.030	۱			
	احتمال	0.1124	0.9060	0.3815	----			
۱۲	INSTITUTE	0.059	-0.028	-0.029	-0.833	۱		
	احتمال	0.0869	0.4234	0.3949	0.0000	----		
۱۳	MGOWN	-0.001	0.031	0.085	-0.361	-0.006	۱	
	احتمال	0.9804	0.3773	0.0138	0.0000	0.8734	----	

آمار استنباطی

بررسی مانایی متغیرهای پژوهش

بر اساس آزمون «لوین، لین و چو»^۱ چون مقدار احتمال همه متغیرها کمتر از ۵٪ بوده است، همه متغیرهای مستقل، وابسته و کنترلی در دوره پژوهش در سطح پایا بوده‌اند پایایی بدین معنی است که میانگین و واریانس متغیرهای پژوهش در طول زمان و کواریانس متغیرها بین سال‌های مختلف ثابت بوده است همه متغیرها مانا هستند و نیازی به آزمون هم‌جمعی^۲ وجود ندارد.

آزمون ثابت بودن واریانس جزء خطا

یکی از فروض رگرسیون خطی این است که، تمامی جملات باقیمانده دارای واریانس برابر باشند. در عمل ممکن است این فرض چندان صادق نبوده و به دلایل مختلفی از قبیل: شکل نادرست تابع مدل، وجود

^۱ Levin, Lin & Chu.

^۲ Stationarity

^۳ Cointegration test

نقاط پرت، شکست ساختاری در جامعه آماری، و ... شاهد پدیده ناهمسانی واریانس باشیم. برای بررسی این مشکل آزمون های مختلفی توسط اقتصاددانان معرفی شده است. در این مطالعه به منظور تخمین مدل های پژوهش از رگرسیون لججیت بهره گرفته شده است بنابراین هنگام تخمین مدل، گزینه وایت^۱ نیز انتخاب شده است تا در صورت وجود ناهمسانی واریانس، این مشکل برطرف شود.

آزمون عدم وجود هم خطی بین متغیرهای توضیحی

در این مطالعه برای بررسی عدم وجود هم خطی از معیار عامل تورم واریانس^۲ (VIF) استفاده شد. وقتی که شاخص تورم واریانس کمتر از ۱۰ باشد، نشان دهنده عدم وجود هم خطی می باشد. با توجه به جداول (۵) تا (۷) نتایج حاصل از این آزمون نشان می دهد. که میزان تورم واریانس متغیرهای مستقل و کنترلی مدل پژوهش در حد مجاز خود قرار داشته و لذا از این بابت مشکلی وجود ندارد.

جدول ۵: نتایج حاصل از آزمون عدم وجود هم خطی بین متغیر توضیحی مدل اول پژوهش

متغیرها	نماد	واریانس ضریب	عامل تورم واریانس
کیفیت حسابرسی	AUDIT	0.001665	1.052411
اهرم مالی	LEV	0.014535	3.760626
عمر شرکت	AGE	0.002194	1.048645
احتمال ورشکستگی	ZSCORE	0.002199	3.776616
رشد دارایی های شرکت	GROWTH	0.004246	1.031802
اندازه هیأت مدیره	BSIZE	0.004769	1.015664
دوگانگی وظایف مدیر عامل	DUAL	0.001214	1.030547
مالکیت دولتی	STOWN	0.079711	3.917347
مالکیت نهادی	INSTITUTE	0.074793	3.133089
مالکیت مدیریتی	MGOWN	0.132670	1.834037

جدول ۶: نتایج حاصل از آزمون عدم وجود هم خطی بین متغیر توضیحی مدل دوم پژوهش

متغیرها	نماد	واریانس ضریب	عامل تورم واریانس
مدیریت سود تعهدی	AEM	0.030187	1.161597
اهرم مالی	LEV	0.014507	3.739418
عمر شرکت	AGE	0.002160	1.028610

¹ White

² Variance Inflation Factor (VIF)

متغیرها	نماد	واریانس ضریب	عامل تورم واریانس
احتمال ورشکستگی	ZSCORE	0.002183	3.735553
رشد دارایی های شرکت	GROWTH	0.004895	1.184959
اندازه هیأت مدیره	BSIZE	0.004788	1.015983
دوگانگی وظایف مدیر عامل	DUAL	0.001219	1.031017
مالکیت دولتی	STOWN	0.080122	3.925702
مالکیت نهادی	INSTITUTE	0.075046	3.131285
مالکیت مدیریتی	MGOWN	0.132829	1.829393

جدول ۷: نتایج حاصل از آزمون عدم وجود هم خطی بین متغیر توضیحی مدل سوم پژوهش

متغیرها	نماد	واریانس ضریب	عامل تورم واریانس
مدیریت سود واقعی	REM	0.004328	1.135878
اهرم مالی	LEV	0.014296	3.713781
عمر شرکت	AGE	0.002142	1.027989
احتمال ورشکستگی	ZSCORE	0.002190	3.776365
رشد دارایی های شرکت	GROWTH	0.004230	1.032014
اندازه هیأت مدیره	BSIZE	0.004751	1.015883
دوگانگی وظایف مدیر عامل	DUAL	0.001209	1.030693
مالکیت دولتی	STOWN	0.079365	3.915201
مالکیت نهادی	INSTITUTE	0.074411	3.127294
مالکیت مدیریتی	MGOWN	0.132147	1.834115

نتایج آزمون فرضیه های پژوهش

فرضیه اول: کیفیت حسابرسی بر تجدید ارائه صورت های مالی تأثیر دارد.

به منظور آزمون این فرضیه از نتایج تخمین مدل ارائه شده در جدول (۹) بهره گرفته شده است. مقدار آماره نسبت راستنمایی (LR) در سطح اطمینان ۹۵٪ بیانگر معناداری کلی مدل پژوهش است. نتایج مربوط به ضریب تعیین مک فادن نشان می دهد، که تقریباً ۱۲٫۶۴٪ تغییرات متغیر وابسته (تجدید ارائه صورت های مالی) به وسیله متغیرهای مستقل و کنترلی مدل، توضیح داده می شوند. نتایج حاصل از متغیرهای کنترلی نشان می دهد که با توجه به آماره Z در سطح اطمینان ۹۵٪، اهرم مالی، عمر شرکت،

رشد دارایی ها، مالکیت دولتی، مالکیت نهادی و مالکیت مدیریتی بر تجدید ارائه صورت های مالی تأثیر منفی و معناداری دارند در حالی که، اندازه هیأت مدیره بر تجدید ارائه صورت های مالی تأثیر مثبت و معناداری دارد.

در حالت کلی نتایج نشان می دهد که ضریب متغیر کیفیت حسابرسی، 0.535312- بوده که نشان دهنده تأثیر منفی کیفیت حسابرسی بر تجدید ارائه صورت های مالی می باشد که در سطح اطمینان ۹۵٪، با توجه به آماره Z ضریب متغیر کیفیت حسابرسی، در مدل معنادار می باشد، با توجه به موارد فوق می توان در سطح اطمینان ۹۵٪ فرضیه اول تحقیق را تأیید کرد. این امر به این معنی است کیفیت حسابرسی بر تجدید ارائه صورت های مالی تأثیر منفی و معنی داری دارد به عبارت دیگر، در صورت بالا بودن کیفیت حسابرسی، احتمال تجدید ارائه صورت های مالی کاهش می یابد. این یافته ها با نتایج پژوهش های انجام شده توسط اکبری (۱۳۹۳)؛ عبدلی و همکاران (۱۳۹۲)؛ جیانگ و همکاران (۲۰۱۵)؛ رومانوس (۲۰۰۸) مطابقت دارد.

جدول ۸: نتایج حاصل از تخمین مدل اول تحقیق

متغیر وابسته: تجدید ارائه صورت های مالی					
تعداد مشاهدات: ۸۴۰			روش تخمین: رگرسیون لوجیت		
متغیرها	نماد	ضریب	خطای استاندارد	آماره Z	سطح معناداری
مقدار ثابت	C	0.972130	2.082511	0.466807	0.6406
کیفیت حسابرسی	AUDIT	-0.535312	0.244585	-2.188653	0.0286
اهرم مالی	LEV	-0.676467	0.229467	-2.947991	0.0032
عمر شرکت	AGE	-0.232393	0.115778	-2.007237	0.0447
احتمال ورشکستگی	ZSCORE	-0.126033	0.188972	-0.666939	0.5048
رشد دارایی های شرکت	GROWTH	-0.650686	0.267204	-2.435169	0.0149
اندازه هیأت مدیره	BSIZE	1.032920	0.319741	3.230486	0.0012
دوگانگی وظایف مدیر عامل	DUAL	0.084640	0.142283	0.594872	0.5519
مالکیت دولتی	STOWN	-2.974626	1.214354	-2.449555	0.0143
مالکیت نهادی	INSTITUTE	-2.876691	1.170302	-2.458077	0.0140
مالکیت مدیریتی	MGOWN	-2.954507	1.152960	-2.562541	0.0104
ضریب تعیین مک فادن		12.64%			
آماره LR		115.6138			
سطح معناداری (آماره LR)		0.0000			

فرضیه دوم: مدیریت سود تعهدی بر تجدید ارائه صورت های مالی تأثیر دارد.

به منظور آزمون این فرضیه از نتایج تخمین مدل ارائه شده در جدول (۹) بهره گرفته شده است. مقدار آماره نسبت راستنمایی (LR) در سطح اطمینان ۹۵٪ بیانگر معناداری کلی مدل پژوهش است. نتایج مربوط به ضریب تعیین مک فادن نشان می دهد، که تقریباً ۱۲,۴۳٪ تغییرات متغیر وابسته (تجدید ارائه صورت های مالی) به وسیله متغیرهای مستقل و کنترلی مدل، توضیح داده می شوند. نتایج حاصل از متغیرهای کنترلی نشان می دهد که با توجه به آماره Z در سطح اطمینان ۹۵٪، اهرم مالی، عمر شرکت، رشد دارایی ها، مالکیت دولتی، مالکیت نهادی و مالکیت مدیریتی بر تجدید ارائه صورت های مالی تأثیر منفی و معناداری دارند در حالی که، اندازه هیأت مدیره بر تجدید ارائه صورت های مالی تأثیر مثبت و معناداری دارد.

در حالت کلی نتایج نشان می دهد که ضریب متغیر مدیریت سود تعهدی، 0.306488 بوده که نشان دهنده تأثیر مثبت مدیریت سود تعهدی بر تجدید ارائه صورت های مالی می باشد که در سطح اطمینان ۹۵٪، با توجه به آماره Z ضریب متغیر مدیریت سود تعهدی، در مدل معنادار می باشد، با توجه به موارد فوق می توان در سطح اطمینان ۹۵٪ فرضیه دوم تحقیق را تأیید کرد. این امر به این معنی است مدیریت سود تعهدی بر تجدید ارائه صورت های مالی تأثیر مثبت و معنی داری دارد به عبارت دیگر، در صورت افزایش مدیریت سود تعهدی، احتمال تجدید ارائه صورت های مالی نیز افزایش می یابد. این یافته ها با نتایج پژوهش انجام شده توسط جیانگ و همکاران (۲۰۱۵) مطابقت دارد.

جدول ۹: نتایج حاصل از تخمین مدل دوم تحقیق

متغیر وابسته: تجدید ارائه صورت های مالی					
روش تخمین: رگرسیون لجوجیت					
تعداد مشاهدات: ۸۴۰					
متغیرها	نماد	ضریب	خطای استاندارد	آماره Z	سطح معناداری
مقدار ثابت	C	1.270866	2.058171	0.617474	0.5369
مدیریت سود تعهدی	AEM	0.306488	0.084258	3.637508	0.0003
اهرم مالی	LEV	-0.595805	0.188087	-3.167710	0.0016
عمر شرکت	AGE	-0.176015	0.083423	-2.109923	0.0354
احتمال ورشکستگی	ZSCORE	-0.170828	0.187731	-0.909965	0.3628
رشد دارایی های شرکت	GROWTH	-0.701966	0.292477	-2.400073	0.0164
اندازه هیأت مدیره	BSIZE	1.312952	0.551138	2.382256	0.0172
دوگانگی وظایف مدیر عامل	DUAL	0.080592	0.141964	0.567694	0.5702

متغیر وابسته: تجدید ارائه صورت های مالی					
روش تخمین: رگرسیون لوجیت					
تعداد مشاهدات: ۸۴۰					
متغیرها	نماد	ضریب	خطای استاندارد	آماره Z	سطح معناداری
مالکیت دولتی	STOWN	-2.437385	0.770546	-3.163194	0.0016
مالکیت نهادی	INSTITUTE	-2.063560	0.680522	-3.032322	0.0024
مالکیت مدیریتی	MGOWN	-2.264458	0.723448	-3.130091	0.0017
ضریب تعیین مک فادن		12.43%			
آماره LR		117.4797			
سطح معناداری (آماره LR)		0.0000			

فرضیه سوم: مدیریت سود واقعی بر تجدید ارائه صورت های مالی تأثیر دارد.

به منظور آزمون این فرضیه از نتایج تخمین مدل ارائه شده در جدول (۱۰) بهره گرفته شده است. مقدار آماره نسبت راستنمایی (LR) در سطح اطمینان ۹۵٪ بیانگر معناداری کلی مدل پژوهش است. نتایج مربوط به ضریب تعیین مک فادن نشان می دهد، که تقریباً ۱۱٫۳۱٪ تغییرات متغیر وابسته (تجدید ارائه صورت های مالی) به وسیله متغیرهای مستقل و کنترلی مدل، توضیح داده می شوند. نتایج حاصل از متغیرهای کنترلی نشان می دهد که با توجه به آماره Z در سطح اطمینان ۹۵٪، اهرم مالی، عمر شرکت، رشد دارایی ها، مالکیت دولتی، مالکیت نهادی و مالکیت مدیریتی بر تجدید ارائه صورت های مالی تأثیر منفی و معناداری دارند در حالی که، اندازه هیأت مدیره بر تجدید ارائه صورت های مالی تأثیر مثبت و معناداری دارد.

در حالت کلی نتایج نشان می دهد که ضریب متغیر مدیریت سود واقعی، 0.706504 بوده که نشان دهنده تأثیر مثبت مدیریت سود واقعی بر تجدید ارائه صورت های مالی می باشد که در سطح اطمینان ۹۵٪، با توجه به آماره Z ضریب متغیر مدیریت سود واقعی، در مدل معنادار می باشد، با توجه به موارد فوق می توان در سطح اطمینان ۹۵٪ فرضیه سوم تحقیق را تأیید کرد. این امر به این معنی است مدیریت سود واقعی بر تجدید ارائه صورت های مالی تأثیر مثبت و معنی داری دارد به عبارت دیگر، در صورت افزایش مدیریت سود واقعی، احتمال تجدید ارائه صورت های مالی نیز افزایش می یابد. این یافته ها با نتایج پژوهش انجام شده توسط جیانگ و همکاران (۲۰۱۵) مطابقت دارد.

جدول ۱۰: نتایج حاصل از تخمین مدل سوم تحقیق

متغیر وابسته: تجدید ارائه صورت های مالی					
روش تخمین: رگرسیون لجوجیت					
تعداد مشاهدات: ۸۴۰					
متغیرها	نماد	ضریب	خطای استاندارد	آماره Z	سطح معناداری
مقدار ثابت	C	1.089966	2.099302	0.519204	0.6036
مدیریت سود واقعی	REM	0.706504	0.267124	2.644852	0.0082
اهرم مالی	LEV	-0.470305	0.193240	-2.433789	0.0153
عمر شرکت	AGE	-0.180562	0.085369	-2.115078	0.0350
احتمال ورشکستگی	ZSCORE	-0.224412	0.185158	-1.212002	0.2255
رشد دارایی های شرکت	GROWTH	-0.647005	0.279072	-2.318412	0.0204
اندازه هیأت مدیره	BSIZE	1.011639	0.310240	3.260825	0.0012
دوگانگی وظایف مدیر عامل	DUAL	0.077942	0.142581	0.546648	0.5846
مالکیت دولتی	STOWN	-2.248254	0.740365	-3.036684	0.0024
مالکیت نهادی	INSTITUTE	-2.490629	0.743713	-3.348912	0.0008
مالکیت مدیریتی	MGOWN	-2.188054	0.550753	-3.972837	0.0001
ضریب تعیین مک فادن		11.31%			
آماره LR		95.6685			
سطح معناداری (آماره LR)		0.0000			

بحث و نتیجه گیری

هدف این پژوهش تبیین تأثیر کیفیت حسابرسی و مدیریت سود بر تجدید ارائه صورت های مالی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشد. از طریق تحلیل اطلاعات مربوط به ۱۲۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در طی سال های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۵ یافته های پژوهش نشان می دهد که به طور خلاصه نتایج نشان می دهد که کیفیت حسابرسی بر تجدید ارائه صورت های مالی تأثیر منفی و معنی داری دارد به عبارت دیگر، در صورت بالا بودن کیفیت حسابرسی، احتمال تجدید ارائه صورت های مالی کاهش می یابد. می توان این چنین استدلال کرد که حسابرسان مستقل نقشی اساسی در سازماندهی یک صورت وضعیت مالی معتبر، و ارائه ضمانت به سهامداران نسبت به بی نقص

بودن آن دارند. حسابرسی نقش مهم دیگری را نیز ایفا می کند و آن، دفاع از حقوق سرمایه گذاران از طریق شناسایی تحریفها است. بررسی کارشناس حسابرسی با توجه به سیر صعودی تجدید ارائه ها، تعجب برانگیز نیست، چرا که حسابرسان مستقل قادر به تشخیص یک ادعای غلط به عنوان یکی از فاکتورهای اصلی افزایش دهنده تجدید ارائه ها، نبوده اند. ناکامی حسابرسان در جلوگیری از ادعای غلط در گزارش های مالی، می تواند یا به دلیل سهل انگاری وی در انجام وظیفه باشد و یا به دلیل محدودیت در عملیات حسابرسی و یا هر دو باشد. و بنابر نظر رومانوس (۲۰۰۸)، این استدلال حاکی از آن است که یک رابطه منفی بین کیفیت حسابرسی و احتمال تجدید ارائه حسابداری وجود دارد. هرچند که مطالعات دیگر، کمتر این ایده را که "کیفیت حسابرسی احتمال تجدید ارائه را می کاهش دهد" را تایید می کنند. نتایج نشان می دهد که مدیریت سود تعهدی و مدیریت سود واقعی بر تجدید ارائه صورت های مالی تأثیر مثبت و معنی داری دارد به عبارت دیگر، در صورت افزایش مدیریت سود تعهدی و مدیریت سود واقعی، احتمال تجدید ارائه صورت های مالی نیز افزایش می یابد. می توان این چنین استدلال کرد که برخی از تحقیقات صورت گرفته در زمینه تجدید ارائه صورت های مالی، به بررسی علل ارائه مجدد صورت های مالی پرداخته اند. بر اساس تحقیق کراس و همکاران (۲۰۰۴) مهمترین علل تجدید ارائه صورت های مالی، شامل شناسایی درآمد، ذخایر عمومی، بیش از اندازه گزارش نمودن داری ها، سرمایه ای نمودن نادرست برخی مخارج، مخارج تجدید ساختار، ارائه کمتر از واقع بدهی ها یا کاهش ارزش دارایی ها است. اتاق بازرگانی ایالات متحده، کمیسیون بورس اوراق بهادار و هیات استانداردهای حسابداری مالی ایالات متحده آمریکا پیچیدگی های حسابداری را عامل اصلی تجدید ارائه صورت های مالی می دانند. در تحقیقی که پلاملی و یوهن (۲۰۱۰) با هدف بررسی دلایل اصلی تجدید ارائه صورت های مالی انجام دادند، به این نتیجه رسیدند که در بیشتر موارد، دلیل تجدید ارائه صورت های مالی، اشتباهات رخ داده از جانب شرکت ها است. برگ استالر و دیچو، به بررسی نقش مدیریت در تجدید ارائه صورت های مالی پرداختند و به این نتیجه رسیدند که دستکاری سود توسط مدیریت، علت اصلی تجدید ارائه صورت های مالی است. با تکیه بر نتایج آزمون فرضیه های پژوهش حاضر پیشنهادهای ذیل ارائه می شود: به سرمایه گذاران و مدیران پیشنهاد می شود که به منظور کاهش تجدید ارائه صورت های مالی و افزایش کیفیت اطلاعات مالی، از موسسات حسابرسی با کیفیت بالا به منظور اظهار نظر در مورد صورت های مالی شرکت استفاده کنند به تدوین کنندگان قوانین و مقررات مانند سازمان حسابرسی، سازمان بورس اوراق بهادار تهران نیز پیشنهاد می شود که به منظور کاهش تجدید ارائه صورت های، با تدوین قوانینی موسسات حسابرسی را ملزم کنند که کیفیت کار خودشان را بالا ببرند. به مدیران و تهیه کنندگان اطلاعات مالی شرکت پیشنهاد می شود که به منظور کاهش تجدید ارائه صورت های و همچنین به منظور افزایش اعتماد سرمایه گذاران نسبت اطلاعات مالی، از رفتارهای فرصت طلبانه مدیریت سود تعهدی و واقعی اجتناب کنند و تا ضمن کاهش مدیریت سود تعهدی و واقعی، موجبات کاهش تجدید ارائه صورت های مالی را فراهم آورند. علاوه بر این به تدوین کنندگان قوانین و مقررات پیشنهاد می شود که به منظور کاهش تجدید ارائه صورت های مالی، شرکت ها را ملزم کنند که از انتخاب رویه های حسابداری فرصت طلبانه به منظور مدیریت سود تعهدی

و واقعی، اجتناب کنند. به منظور انجام پژوهش های آتی در ارتباط با این پژوهش، موضوعات زیر پیشنهاد می شود:

- تأثیر سایر معیارهای کیفیت حسابرسی بر تجدید ارائه صورت های مالی
- تأثیر کیفیت سود بر تجدید ارائه صورت های مالی
- تأثیر پذیرش استانداردهای گزارشگری مالی بین المللی بر تجدید ارائه صورت های مالی

فهرست منابع

۱. ابراهیمی کردلر، علی. سیدی، سید عزیز. (۱۳۸۷). "نقش حسابرسان مستقل در کاهش اقلام تعهدی اختیاری." **بررسی های حسابداری و حسابرسی**، دوره ۱۵، شماره ۵۴، زمستان ۱۳۸۷، ۱۶-۳.
۲. آقایی، محمدعلی. زلفی، حسن. (۱۳۹۲). "تأثیر تجدید ارائه صورت های مالی بر کیفیت اقلام تعهدی." **پژوهش های تجربی حسابداری**، ۷، ۱۴۷-۱۱۹.
۳. برزگر، الهه. ساریخانی، نصیبه. (۱۳۹۵). "بررسی رابطه ی بین کیفیت حسابرسی و تجدید ارائه صورتهای مالی ناشی از مدیریت سود و مدیریت وجه نقد در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، **فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مالی**، سال هشتم، شماره ۲۹، بهار ۱۳۹۱، ۹۵-۱۰۳.
۴. بولو، قاسم. حساس یگانه، یحیی، مومنی، سهیل. (۱۳۹۱). "تأثیر تجدید ارائه صورت های مالی بر مدیریت سود و پایداری سود." **فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی**، سال دهم، ۹۶-۳۳-۷۳.
۵. پاکدل، عبدالله. سرخانی مقدم، داریوش. (۱۳۹۷). "بررسی رابطه بین حق الزحمه غیر عادی حسابرسی و تجدید ارائه صورتهای مالی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، **تحقیقات حسابداری و حسابرسی**، انجمن حسابداری و حسابرسی، بهار ۱۳۹۷، شماره ۳۷، ۱۴۶-۱۳۳.
۶. ساعی، محمدجواد. باقرپور ولاشانی، محمدعلی. موسوی بایگی، ناصر. (۱۳۹۲). "بررسی فراوانی و اهمیت تجدید ارائه صورت های مالی." **مجله پژوهش های حسابداری مالی**، سال پنجم، ۶۷-۱۵-۸۶.
۷. شریعت پناهی، مجید. کاظمی، حسین. (۱۳۸۹). "تأثیر ارائه مجدد صورتهای مالی بر محتوای اطلاعاتی سود." **فصلنامه مطالعات حسابداری**، انجمن حسابداری ایران، ۲۶، ۱-۲۸.
۸. عبدلی، محمدرضا. فعال قیومی، علی. پرتوی، ناصر. (۱۳۹۲). "تأثیر ویژگیهای حسابرسان بر تجدید ارائه صورتهای مالی." **بررسی های حسابداری و حسابرسی**، دانشکده مدیریت تهران، دوره ۲۰، شماره ۳.
۹. کردستانی، غلامرضا و دیگران، (۱۳۸۹). "آزمون تجربی اهمیت تعدیلات سنواتی در بازار سرمایه"، **تحقیقات حسابداری**، انجمن حسابداری ایران، شماره ۸، زمستان ۸۹، صص ۷۳-۶۲.
۱۰. گجراتی، دامور (۱۳۷۸). "مبانی اقتصاد سنجی"، ترجمه حمید ابریشمی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم.

۱۱. مجتهدزاده، ویدا و دیگران. (۱۳۹۵). "تجدید ارائه ی صورتهای مالی و رفتار پیشبینی سود مدیران"، **تحقیقات حسابداری و حسابرسی**، انجمن حسابداری ایران، شماره ۲۹، بهار ۹۵ صص ۲۱-۴.
۱۲. نیکبخت، محمد رضا. رفیعی، افسانه. (۱۳۹۱). "تدوین الگوی عوامل مؤثر بر تجدید ارائه صورتهای مالی در ایران." **مجله دانش حسابداری**، سال سوم، ۹، ۱۶۷-۱۹۴.
13. Alastair Lawrence, Miguel Minutti-Meza, and Ping Zhang. (2011). "Can Big 4 versus Non-Big 4 Differences in Audit-Quality Proxies Be Attributed to Client Characteristics?". **The Accounting Review**, 86 (1), 259 (2011).
14. Aliza, Rotenstein, (2011). "Corporate Governanace Changes Following Earning Restatements", **The Journal of Applied Business Research**, 27:123-140
15. Andrew B. Jackson, Michael Moldrich, Peter Roebuck, (2008) "Mandatory audit firm rotation and audit quality", **Managerial Auditing Journal**, Vol. 23 Iss: 5, pp.420 – 437.
16. Bukit, R.B. and Iskandar, T.M. (2009), "Surplus free cash flow, earnings management and audit committee", **International Journal of Economics and Management**, Vol. 3 No. 1, pp. 204-223.
17. Burks, Jeffrey J. (2011). "Are investors confused by restatements after Sarbanes-Oxley?", **The Accounting Review**, 86, 507-539.
18. Chan, K. H.; Lin. K. Z.; and F. Zhang (2007), "On the Association between Changes in Corporate Ownership and Changes in Auditor Quality in a Transitional Economy", **Journal of International Accounting Research**, Vol. 6, No. 1, pp. 19-36.
19. Collins, Denton and Masli, Adi and Reitenga, Austin L. and Sanchez, Juan Manuel (2010), "Earnings Restatements, the Sarbanes-Oxley Act and the Disciplining of Chief Financial Officers", **Journal of Accounting, Auditing and Finance**, Vol. 24, No. 1, pp. 1-34, 2009. Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=1076800> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.1076800>.
20. Comprix, J., & Huang, H (2015)., "Does auditor size matter? Evidence from small audit firms", **Advances in Accounting, incorporating Advances in International Accounting**, <http://dx.doi.org/10.1016/j.adiac.2015.03.007>
21. Dechow P, I Dichev. (2002). "The quality of accruals and earnings: The role of accrual estimation errors". **The Accounting Review**, 77: 35-59
22. Dechow, P., Ge, W., Schrand, C. (2010). "Understanding earnings quality: A review of the proxies, their determinants and their consequences". **Journal of Accounting and Economics**, 132-150.
23. Dechow, P.M., Sloan, R.G., and A.P. Sweeney, (1996). "Causes and consequences of earnings manipulation: An analysis of firms subject to enforcement actions by the SEC.", **Contemporary Accounting Research**, 13: 1-36.

24. Ettrege, M., y, Huang., W, zhang, (2010), "Restatement Disclosures and Subsequent Accounting Conservatism", AIS Department, University of Kansas, 2009 FARS Midyear Conference of the American Accounting Association.
25. GAO, (2002). "Financial statement restatements: Trends, market impacts, regulatory responses and remaining challenges". GAO-03-138 (Washington, D.C.)
26. GAO, July (2006). "Financial restatements: Update of public company trends, market impacts and regulatory enforcement activities". GAO-06-678 (Washington, D.C.)
27. Griffin, Paul A., A League (2002), "Financial Analysts' Responses to Restatements and Corrective Disclosures", Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=326581> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.326581>.
28. Gujarati, D. N. (2004). Basic Econometrics, Fourth Edition, New York: The McGraw-Hill Companies.
29. Hossain, M.; Lim, C.; and P. Tan (2010), "Corporate Governance, Legal Environment, and Auditor Choice in Emerging Markets", **Review of Pacific Basin Financial Markets and Policies**, Vol. 13, No. 1, pp. 91-126.
30. Hribar, P., Jenkins, N. T., (2004). "The effect of accounting restatements on earnings revisions and the estimated cost of capital". **Review of Accounting Studies**, 9: 337-356
31. Janin and Piot. (2005). "Audit Quality and Earnings Management in France", Working Paper.
32. Jeff P. B, Inder K. K, K. K. Raman. (2010). "Do the Big 4 and the Second-tier firms provide audits of similar quality?". *J. Account. Public Policy* 29 (2010) 330-352. Contents lists available at ScienceDirect.
33. Jensen, M. C. & Meckling, W. H. (1976). Theory of the firm: Managerial behavior, agency costs, and ownership structure. http://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=94043. [online]
34. Kothari, S.P., Leone, A.J. and Wasley, C.E. (2005), "Performance matched discretionary accrual measures", **Journal of Accounting and Economics**, Vol. 39 No. 1, pp. 163-197.
35. Kravet, Terry, Shevlin. (2009). Accounting Restatements and Information Risk. University of Texas at Dallas,
36. Lin, Z. J.; and M. Liu (2009), "The Impact of Corporate Governance on Auditor Choice: Evidence from China", **Journal of International Accounting, Auditing and Taxation**, pp. 44-59.
37. Liu, Li-Lin (2007). "Consequences of financial restatements for auditors and top executives" ProQuest ETD Collection for FIU. AAI3298591. <https://digitalcommons.fiu.edu/dissertations/AAI3298591>.

38. Marciukaityte, Dalia, S. Scewczyk, and R. Varma.(2009)."Voluntary vs. forced financial restatements: The role of board independence". **Financial Analysts Journal**, (September/October): 51-65
39. Nuryaman (2013). "The Influence of Earnings Management on Stock Return and the Role of Audit Quality as a Moderating Variable", **International Journal of Trade, Economics and Finance**, Vol. 4, No. 2, PP. 73-78.
40. Palmrose, Z.V, Richardson, V.J. and S.Scholz. (2004). "Determinants of market reactions to restatement announcements". **Journal of Accounting and Economics**, 37: 59-89
41. Redhwan Ahmed AL-Dhamari and Ku Nor Izah Ku Ismail (2014), "An investigation into the effect of surplus free cash flow, corporate governance and firm size on earning predictability", **international Journal of Accounting and Information Management**, Vol.22, No.2, pp 118- 133..
42. Richardson, S. (2002). "Predicting Earnings Management: The Case of Earnings Restatements". University of Pennsylvania, the Wharton School.
43. Richardson, S. (2006), "Over-investment of free cash flow", **Review of Accounting Studies**, Vol. 11 No. 2, pp. 159-189.
44. Robin N. Romanus (2007). "The Impact of Earnings Quality on Investors' and Analysts' Reactions to Restatement Announcements". Dissertation, Faculty of the Virginia Polytechnic Institute and State University.
45. Rotenstein, A.(2008). "Corporate Governance Change Following Earnings Restatements". City University of New York.
46. Sandeep N, Yongtae K. William G.(2007). "Earnings Misstatements, Restatements and Corporate Governance". Working Paper. Oklahoma State University
47. Scholz, S. (2008), "The changing nature and consequences of public company financial restatements", The US Department of the Treasury, available at: www.treasury.gov/presscenter/pressreleases/documents/financialrestatements_1997_2006.pdf
48. Wilson W. (2008). "An empirical analysis of the decline in the information content of earnings following restatements", **The Accounting Review**, 83 (2): 519-548.



The Effect of Audit Quality, Real and Accrual Earnings Management on Financial Statement Restatements

Ali Latifi¹

M.A in Accounting, Shahriar Branch, Islamic Azad University, Iran

Azita Jahanshad (PhD)²©

Associate Professor, Department of Accounting, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

(Received: 9 April 2018; Accepted: 26 August 2018)

A significant increase in the accounting restatements has attracted, academic attention, rule and public attention with considering all its consequences,. In this regard, the purpose of this study is to investigate the relationship between of audit quality, real and accrual earnings management on financial statement restatements in listed companies on Tehran Stock Exchange. In this purpose a sample of consisting of 120 listed companies in Tehran stock exchange during the period 2010 to 2016 was selected. In order to analyze the hypothesis was used logistic regression model..

The research findings show that audit quality has negative impact on restatement, while real and accrual earning management has positive impact on restatement. In other words, we can say the high level of audit quality, reduce the likelihood of restatements and with increase in real and accrual earnings management, increase the likelihood of restatements.

Keywords: Audit Quality, Real Earnings Management, Accruals Earnings Management, Financial Statement Restatements.

¹ ali.latifi1367@gmail.com

² az_jahanshad@yahoo.com (Corresponding Author)